

اگر ۲۵ سال مفهومی به نام منافع ملی می‌توانست چپ و راست را زیر یک سقف جمع کند به یکباره کسانی در جبهه اصولگرایی نفوذ کردند که این مفهوم برایشان سخت بیگانه بود و اصولگرایان واقعی در مقابل این تازه‌واردان جعلی سکوت کردند

اصلاح‌طلبی به اسم نیست بلکه به رسم است



در سیاست نمی‌توان هیچ گروهی را حذف کرد. هر گروه سیاسی در سخت‌ترین شرایط، به گوشه‌ای می‌رود و به محض بازشدن کوچک‌ترین روزنی باز به عرصه برمی‌گردد. آن جدالی که می‌توان حیات را از حریف گرفت، جنگ است نه سیاست. شاید این جملات کوتاه و ساده بتواند به روشنی معنای انتخابات روز جمعه را بیان کند. چاپ کلمه اصلاح‌طلبان در صفحه یک روزنامه کیهان بی‌هیچ لقب و عنوانی تنها با این عبارت که «آمار اولیه تهران از پیشی‌گرفتن اصلاح‌طلبان حکایت دارد» فقط یک خبر نیست بلکه آغاز فصل جدیدی در سیاست ایران است؛ فصل جدیدی که در آن دیگر نمی‌توان طرفداران یک جریان را با برچسب و عنوان ضدیت با نظام خانه‌نشین کرد. در این انتخابات مفاهیمی بی‌اعتبار شدند و مفاهیمی دیگر آبروی خود را بازیافتند.

- صندوق رأی به عنوانی جایگاهی برای تعیین عیار و توان هر گروه سیاسی معنای خود را دوباره به‌دست آورد و این تفکر که صندوق رأی می‌تواند جایی برای تسویه حساب سیاسی و حذف یک گروه از قدرت و بهانه‌ای برای غیرعادی‌کردن شرایط باشد، بی‌اعتبار شد.

- جریان اصلاح‌طلب توانست نه به صورت نیابتی بلکه تمام‌قد و زیر پرچم و با رهبری رهبران اصلی خودش به عرصه قدرت بازگردد. اصلاح‌طلبان در این انتخابات نامشان را بی‌هیچ پیشوند و پسوندی به عرصه سیاست بازگرداندند.
- تحریم انتخابات این بار دیگر نه یک پز روشنفکری که بی‌مسئولیتی بزرگ و صرف‌نظرکردن از حق انتخاب شرایط آینده تلقی شد و این بار همه فهمیدند که برای درست‌شدن اوضاع باید هرکس به سهم خودش گامی بردارد. نمی‌توان در کنار ایستاد و با مطالبات حداکثری، جریان‌های تحول‌خواه را زمین‌گیر کرد. در سیاست آنها که نشسته‌اند، نمی‌توانند از آنها که می‌دوند طلبکار باشند و آنها که کاری نمی‌کنند، نمی‌توانند به آنها بی‌امیدی که با امید به دنبال روزنی کوچک می‌گردند خرده بگیرند. در انتخابات روز جمعه متاع تحریم و ناامیدی و منفی‌بافی هیچ خریداری نداشت.
- کینه‌ورزی حساب خود را از سیاست جدا کرد. دیگر خاطرات نتوانست راه را بر مقابله با خطرات ببندد. حتی آنها که در زندان بودند از خانواده‌های خود شناسنامه‌هایشان را خواستند. نگاه به گذشته توان هیچ‌کس را برای ساختن آینده کم نکرد.
- در لحظه نگارش این مطلب تمام فهرست اصلاح‌طلبان تهران رأی آورده‌اند؛ فهرستی که جز چند نفر بقیه ناآشنا بودند، چراکه این بار مردم می‌دانستند اصلاح‌طلبی به اسم نیست بلکه به رسم است.
جریان اصولگرا در شهر تهران شکست خورد؛ شکستی از رقیب و شکستی از خودش. از رقیبی که در شرایطی نابرابر از فاصله بسیار دورتر با او مسابقه را آغاز کرد اما پیروز از میدان بیرون آمد.

شکست در پایتخت برای یک جریان اتفاق آسانی نیست که بتوان با اماو اگر رفع و رجوعش کرد؛ دلایل این شکست هم فراتر از آن چیزی است که مجری (دیروز، امروز و فردا) شکست تمدنی و فرهنگی از مردمانی می‌داند که طبقه متوسط شهری‌اند و تحت تأثیر غرب. این شکست برای اصولگرایان قدیمی تاوان سکوت و همراهی با کسانی است که از جنس آنها نبودند، از رقابت چیزی نمی‌دانستند و اتفاقاً برای پیروزشدن پایبند نبودند. اگر ۲۵ سال مفهومی به نام منافع ملی می‌توانست چپ و راست را زیر یک سقف جمع کند به یکباره کسانی در جبهه اصولگرایی نفوذ کردند که این مفهوم برایشان سخت بیگانه بود و اصولگرایان واقعی در مقابل این تازه‌واردان جعلی سکوت کردند، ترجیح دادند در مقابل دوستان قدیم خود بایستند، یا با احترامی آنها را ببینند، اما نگاهی به جبهه خودی نیندازند. آنها روز جمعه پاسخ همراهی با این افراد را دادند و برای کسانی

باختند که دیگر سال‌هاست چیزی برای باختن ندارند؛ باختن برای سکوت در مقابل کسانی که برای نابودی سیاست آمده بودند، اما سیاست بر آنها غلبه کرد.

ثمینا رستگار، روزنامه‌نگار
منبع/ روزنامه شرق
